



مقایسه میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به اهدای عضو

حمید توکلی قوچانی^۱، یحیی محمدی^۲، منیره تابعی^{۳*}

^۱ دکتری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

^۲ دانشجوی دکتری، گروه برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ مربی، گروه پرستاری، دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

* نویسنده مسئول: بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی، گروه پرستاری، ایمیل: tabei.m2000@yahoo.com

DOI: 10.29252/nkjmd-09032

چکیده

مقدمه: مهم ترین منبع تأمین عضو برای بیماران نیازمند، بیماران مرگ مغزی می باشند. با توجه به آمار بالای تصادفات در ایران و در مقابل آمار پایین اهدا عضو در کشور، پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی شهرستان فردوس نسبت به اهدای عضو انجام شد.
روش کار: این مطالعه مقطعی (Cross-sectional) در سال ۹۵-۹۴ روی دانشجویان دانشگاه های آزاد، پیراپزشکی و پیام نور شهرستان فردوس در رشته های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی انجام شد؛ حجم نمونه، ۴۸۰ دانشجو برآورد شد. واحدهای مورد پژوهش به روش نمونه گیری غیر تصادفی مبتنی بر هدف انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه روا و پایا شده بود. داده ها پس از جمع آوری با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با آزمون های t مستقل و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج این تحقیق نشان داد که در نوع نگرش اختلاف معنا داری بین دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی وجود داشت ($P = 0/041$). همچنین در زمینه آگاهی اختلاف معناداری بین دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی وجود نداشت ($P = 0/094$). اما متغیرهای مربوط به میانگین سطح آگاهی در دانشجویان پزشکی ($2/93 \pm 19/08$) بالاتر از دانشجویان غیرپزشکی ($4/74 \pm 18/48$) بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این تحقیق مبنی بر پایین بودن آگاهی در مورد اهدا عضو، با افزایش آموزشهای عمومی در سطح جامعه می توان به ایجاد نگرش مثبت در زمینه اهدا عضو و به تبع آن افزایش میزان پیوند کمک کرد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸

واژگان کلیدی:

اهدا عضو

آگاهی

نگرش

دانشجو

مقدمه

از تصویب قانون اهدا عضو تنها ۷۳ نفر اعضای خود را اهدا کردند [۶] و در کنار افزایش ۱۱٪ نیازمندان به اهدای عضو تنها ۴٪ افزایش در اهدای عضو وجود داشته است [۷]. در سراسر جهان هر روز بیش از سه هزار نفر به دلیل حوادث ترافیکی جان خود را از دست می دهند، از این میان تصادف با موتور سیکلت دارای بیشترین آمار مرگ و میر بوده که ۹۰٪ منتهی به مرگ می شود. آسیب سر اصلی ترین علت مرگ در میان همه موتور سواران است و مسئول ۷۵٪ مرگ و میر و در اروپا و مسیب ۵۵ تا ۸۷٪ مرگ های مغزی می باشد. کشور ایران در زمینه بروز حوادث و تصادفات در گروه نخستین کشورهای جهان قرار دارد؛ به طوری که سالیانه بیش از ۷۰۰۰ نفر در تصادفات موتوری کشته می شوند [۶]. به طور کلی می توان گفت از شایع ترین علل مرگ مغزی در ایران سوانح و تصادفات با وسایل نقلیه موتوری می باشد [۸]. با توجه به آمار بالای تصادفات در ایران که از هر ده تصادف یک نفر کشته و از هر صد مرگ نیز یک مرگ مغزی اتفاق می افتد، شاهد بیشترین آمار

مرگ مغزی اصطلاحی است که در نیمه دوم قرن بیستم عنوان و تعریف شده است [۱]. تشخیص سریع مرگ مغزی و نگهداری بیمار مبتلا به آن از مهمترین عوامل دست یافتن به ارگانهای مناسب برای پیوند اعضا است [۲]. در حال حاضر یکی از مهم ترین منابع تأمین عضو برای اهدای عضو برای بیماران دچار نارسایی، اعضا بیماران مرگ مغزی با فعالیت مغزی هستند و بیش از یک میلیون نفر در جهان از درمان پیوند عضو بهره مند می شوند و بقای برخی از آنان به بیش از ۲۵ سال رسیده است و نیز بقای ۵ ساله برای اکثر بیماران بیش از ۷۰٪ است [۳]. اما، متأسفانه بسته به نوع بیماری، در حدود ۲۵-۱۰٪ از بیماران نیازمند پیوند، بدون دریافت عضو در لیست انتظار فوت می کنند [۴]. پیوند اعضا توانسته است کیفیت زندگی بیماران و نیز نگاه به آینده آنان را بهبود بخشد به همین دلیل تقاضا برای چنین درمانی افزایش یافته و تعداد بیماران نیازمند پیوند در سال های گذشته رو به افزایش یافته است [۵]؛ این در حالی است که تا سال ۲۰۰۷، پس از گذشت ده سال

مرگ مغزی نسبت به بیشتر کشورها هستیم. در حالی که آمار اهدای عضو از بیمار مرگ مغزی در جهان ۳۴ به ازای یک میلیون نفر است، در ایران متأسفانه ۱/۷ از هر یک میلیون نفر می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد فقط درصد کمی از افراد دارای مرگ مغزی کاندیدای اهدای عضو می‌گردند که پاسخگوی افراد نیازمند نمی‌باشند [۳]. علیرغم وجود قانون پیوند در ایران و حمایت‌های دولت و نهادهای غیر دولتی و یا خیریه از موضوع اهدا و پیوند اعضا و نسوج هنوز هم در این زمینه با کشورهای موفق جهان فاصله زیادی داریم که این فاصله کمتر نخواهد شد مگر با فرهنگ سازی صحیح و ریشه‌ای افراد جامعه که در اولویت اول آموزش‌های تخصصی به افراد متخصص در امور بهداشتی و درمانی در زمینه‌های اهدا و پیوند و نحوه شناسایی و ارزیابی اهدا کنندگان و برخورد علمی با اهدا کنندگان بالقوه قرار دارد. سابقه پیوند و بخصوص پیوند نسوج در ایران قدمتی دیرینه دارد. دانشمندانی نظیر ابن سینا و یا اسماعیل جرجانی و سایرین در زمینه پیوند اعصاب و استخوان و سایر نسوج اقدامات مهم و تأثیر گذاری انجام داده‌اند [۹]. باورهای مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی، ارتباطات فامیلی و سطح آگاهی بر میزان اهداء اعضا و نسوج پیوندی تأثیر بسزایی دارند. قانون پیوند اعضا در ایران در سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در سال ۱۳۸۱ به صورت آیین نامه اجرایی توسط دولت جهت اجرا به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابلاغ شد و قبل از تصویب قانون بسیاری از استفتائات با نظر مثبت در مورد پیوند اعضا موجود بود [۱۰]. میزان آگاهی و نگرش افراد در مورد جنبه‌های مختلف پیوند اعضا و بافت تأثیر زیادی بر میزان اهدا دارد. علاوه بر این شناخت میزان و عوامل مؤثر بر دریافت کارت اهدای عضو، در بین اقشار مختلف جامعه، می‌تواند در ارائه راهکارهای مناسب و کاربردی به منظور افزایش دریافت کنندگان کارت اهدای عضو تأثیرگذار و مفید باشد. از آنجایی که بیشترین درصد آمار مرگ مغزی در گروه جوانان قرار می‌گیرند و این گروه در معرض صدمات مغزی ناشی از سوانح رانندگی می‌باشند؛ در این پژوهش برآن شدیم که آگاهی و نگرش این قشر از جامعه را در ارتباط با اهدای عضو سنجیده و از طریق اطلاع رسانی در خصوص اهدای عضو گامی در جهت تحقق فرهنگ سازی در اهدا اعضا برداریم.

روش کار

این مطالعه مقطعی (Cross-sectional) در سال ۹۵-۹۴ روی دانشجویان ترم ۴ تا ۸ مقطع کارشناسی و دانشجویان ترم ۱-۲ مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه آزاد و پیراپزشکی و نیز دانشگاه پیام نور شهرستان فردوس در رشته‌های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی پس از تصویب طرح در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد، حجم نمونه با فرمول مقایسه دو نسبت و با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۹ درصد و توان آزمون ۹۰ درصد، ۴۸۰ دانشجو مشخص شد، به این ترتیب که ۲۴۰ دانشجوی دختر و پسر علوم پزشکی و ۲۴۰ دانشجوی دختر و پسر غیر علوم پزشکی وارد مطالعه شدند. واحدهای مورد پژوهش به روش نمونه گیری غیر تصادفی مبتنی بر هدف بوده؛ به این صورت که نمونه‌ها در داخل هر کدام از رشته‌های علوم پزشکی و

یافته‌ها

در این مطالعه ۴۸۰ دانشجو در دو گروه دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی ۲۴۰ نفر (۵۰٪) و دانشجویان دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی ۲۴۰ نفر (۵۰٪) مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین سنی دانشجویان پسر در این مطالعه $23/56 \pm 23/75$ و میانگین سنی دانشجویان دختر $21/97 \pm 21/97$ بود. از نظر جنسیت ۲۴۰ نفر (۵۰٪) دانشجویان پسر و بقیه دختر بودند و از نظر منبع کسب اطلاعات ۲۴۲ نفر (۵۰/۲٪) دانشجویان شرکت کننده اطلاعات خود را در زمینه اهدا عضو از تلویزیون و ۴۸ نفر (۱۰٪) آنان از طریق همایش‌ها کسب اطلاعات کرده بودند؛ از نظر سابقه اهداء عضو در بین خانواده و اقوام بیشترین فراوانی مربوط به گزینه خیر ۴۱۵ نفر (۸۶/۱٪) بود. از نظر میزان درآمد بیشترین فراوانی مربوط به متوسط ۳۱۲ نفر (۶۴/۷٪) و ۱۹/۵٪ از دانشجویان شرکت کننده دارای کارت اهدا عضو بودند و ۵۰/۲٪ از آنان اطلاعات خود را در این زمینه از طریق تلویزیون کسب کرده بودند. (جدول ۱).

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی

متغیر	فراوانی (درصد)
جنس	
زن	۲۴۰ (۵۰)
مرد	۲۴۰ (۵۰)
منبع کسب اطلاعات	
تلویزیون	۲۴۲ (۵۰/۲)
روزنامه	۱۲۵ (۲۵/۵)
دوستان	۶۷ (۱۳/۹)
همایش	۴۸ (۱۰)
درآمد	
پایین	۱۱۸ (۲۴/۵)
متوسط	۳۱۲ (۶۴/۷)
بالا	۵۲ (۱۰/۸)
رشته تحصیلی	
علوم پزشکی	۲۴۰ (۵۰)
غیر پزشکی	۲۴۰ (۵۰)
سابقه اهدا عضو در بین خانواده و اقوام	
بله	۶۵ (۱۳/۵)
خیر	۴۱۵ (۸۶/۱)
میزان اطلاعات در مورد اهدا عضو	
زیاد	۹۳ (۱۹/۳)
تاحدودی	۳۱۴ (۶۵/۱)
کم	۷۰ (۱۴/۵)
ندارم	۵ (۰/۱)

جدول ۲: مقایسه آگاهی، نگرش دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به اهدای عضو

دانشگاه	تعداد	$\bar{x} \pm SD$	P value
نگرش			۰/۰۴۱
غیر علوم پزشکی	۲۴۲	۱۱/۰۱ ± ۷۷/۸۸	
علوم پزشکی	۲۴۰	۱۳/۰۷ ± ۸۰/۱۳	
آگاهی			۰/۰۹۴
غیر علوم پزشکی	۲۴۲	۴/۷۴ ± ۱۸/۴۸	
علوم پزشکی	۲۴۰	۲/۹۳ ± ۱۹/۰۸	

تفکیک جنس در دو دانشگاه علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی حاکی از این بود که امتیاز آگاهی در دانشجویان دختر ($2/63 \pm 18/35$) و در دانشجویان پسر ($4/87 \pm 19/20$) و نیز امتیاز نگرش در دانشجویان دختر ($11/13 \pm 77/35$) و در دانشجویان پسر ($84/12 \pm 80/63$) بود و نتایج آزمون ارتباط آماری معنی داری بین این دو نشان داد (جدول ۳).

همچنین آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین متغیر نگرش با تحصیلات رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون اسپیرمن نیز بین سطح درآمد و متغیر آگاهی و نگرش رابطه معنی داری نشان نداد.

یافته‌ها نشان داد که میانگین نمره متغیر نگرش در دانشجویان غیر علوم پزشکی ۷۷/۸۸ و در دانشجویان علوم پزشکی ۸۰/۱۳۷ و میانگین نمره آگاهی در دانشجویان غیر علوم پزشکی ۱۸/۴۸ و در دانشجویان علوم پزشکی ۱۹/۰۸ بود. همچنین آزمون تی مستقل نشان داد که بین میانگین متغیر نگرش در دو گروه دانشجویان علوم پزشکی و غیر پزشکی تفاوت معنی داری بود ($P = 0/041$). ولی بین میانگین متغیر آگاهی در دو گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت ($P = 0/094$) (جدول ۲).

همچنین نتایج آزمون تی مستقل مقایسه دو متغیر آگاهی و نگرش به

جدول ۳: مقایسه آگاهی، نگرش دانشجویان علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به اهدای عضو به تفکیک جنس

جنس	تعداد	$\bar{x} \pm SD$	P value
نگرش			۰/۰۰۳
دختر	۲۴۰	۱۱/۱۳ ± ۷۷/۳۵	
پسر	۲۴۲	۱۲/۸۴ ± ۸۰/۶۳	
آگاهی			۰/۰۱۸
دختر	۲۴۰	۲/۶۳ ± ۱۸/۳۵	
پسر	۲۴۲	۴/۸۷ ± ۱۹/۲۰	

بحث

نتایج این مطالعه نشان داد که نگرش و آگاهی نسبت به اهدای عضو در دانشجویان علوم پزشکی نسبت به دانشجویان غیر علوم پزشکی بالاتر بوده که یکی از دلایل آن می‌تواند دروس ارائه شده در رشته‌های علوم پزشکی باشد که توانسته است گامی هر چند کوچک در جهت افزایش آگاهی بردارد و افزایش آگاهی می‌تواند بر نگرش افراد تأثیر گذار باشد ولی با توجه به اهمیت مبحث اهدا عضو، اضافه شدن دروس مرتبط در تمام رشته‌های تحصیلی می‌تواند این بهبود تفکر را بیش از پیش افزایش دهد. مطالعه ارجمند و همکاران نیز نشان داد که افزایش سطح آگاهی در رشته‌های علوم پزشکی منجر به افزایش نگرش مثبت در مورد اهدا عضو می‌شود [۷]. ظهور و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسید که افرادی که فتوای مرجع تقلید خود را نسبت به اهدا عضو می‌دانستند تمایل بیشتری برای داشتن کارت اهدا عضو داشتند که نشان‌دهنده این است که پشتوانه مذهبی یکی از علل گرایش مثبت افراد به اهدا عضو می‌باشد [۵]. این نتیجه مشابه نتایج مطالعه حسین رضایی و همکاران [۱۱] سکیو و همکاران [۱۲] جاکوبی و همکاران [۱۳] می‌باشد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین میانگین متغیر نگرش و سطح تحصیلات رابطه معنی داری وجود ندارد بطوریکه افزایش سطح تحصیلات تأثیری روی میزان نگرش در مورد اهدا عضو نداشته است. امدادی و همکاران [۴] در پژوهش خود به نتیجه مشابه رسیدند ولی رضایی و همکاران نشان دادند افراد با تحصیلات بالاتر، در صورت وقوع مرگ مغزی آمادگی بیشتری برای اهدای عضو دارند و رابطه معنی داری بین تحصیلات آکادمیک و اهدای عضو وجود دارد [۱۴] که می‌تواند به دلیل کمتر بودن دانشجویان مقطع دکترا و بیشتر بودن دانشجویان مقطع کارشناسی در پژوهش ما نسبت به پژوهش رضایی و همکاران باشد. همچنین در این مطالعه ما نشان دادیم که بین سطح آگاهی و اهدا عضو تفاوت آماری معنی داری وجود ندارد که مبین همین امر است. یکی از یافته‌های مهم دیگر در این پژوهش نشان دهنده این بود که نگرش ۳/۱۳٪ از دانشجویان نسبت به مرگ مغزی مثبت نیست، بطوریکه این دانشجویان مرگ مغزی را قابل بازگشت می‌دانند. برومند و همکاران [۱۵] در این مورد به نتیجه ۴۱٪ و ظهور و همکاران نیز به نتیجه ۴۴٪ رسیدند [۱۶]. بر اساس نتایج به دست آمده از این سه تحقیق در سه بازه زمانی متفاوت که یکی در همان سالی که قانون پیوند عضو از افراد دچار مرگ مغزی تصویب شده (سال ۷۹) و دیگری ۱۰ سال بعد از تصویب این قانون در مجلس صورت گرفته است (سال ۸۹) و این پژوهش در سال ۹۴، دیده می‌شود که آگاهی در زمینه استفاده از اعضای فرد دچار مرگ مغزی برای پیوند و دانش در مورد

مرگ مغزی در طول این مدت تغییر چندانی نداشته است، و حتی در طی این مدت تمایل مردم برای اهدا عضو کمتر هم شده است؛ به طوری که در سال ۷۹/۹۳ درصد افرادی که احتمال بازگشت به حیات را غیر ممکن می‌دانستند با مسأله پیوند عضو از افراد با مرگ مغزی موافق بودند [۱۶] ولی در سال ۹۰ این عدد به ۸۸ درصد رسیده است. در مقایسه با نتایج مطالعه ظهور و بزرگ مقام در سال ۷۹ که ۴۴ درصد مردم تهران مرگ مغزی را برگشت ناپذیر می‌دانستند [۱۶] و در مطالعه برومند در سال ۹۰ که ۴۱٪ بوده است و در مطالعه ما که ۳/۱۳٪ می‌باشد؛ به نظر، این عدم ارتقاء آگاهی و نگرش به دلیل ناکافی بودن یا ناکارآمد بودن آموزش و فرهنگ سازی در جامعه بوده است. علاوه بر این یافته‌های این پژوهش نشان داد که تنها ۱۹/۵ درصد از دانشجویان دارای کارت اهدا عضو بودند. در حالیکه در مطالعه امدادی و همکاران در سال ۹۰ [۴]، ۶/۶ درصد دانشجویان کارت اهدا عضو داشتند که یکی از این دلایل افزایش در این پژوهش می‌تواند افزایش فرهنگ سازی در طول این سال‌ها که منجر به افزایش تمایل به داشتن کارت اهدا عضو شده است، اشاره کرد در هر صورت نتایج هر دو مطالعه با در مقایسه با نتایج انجام گرفته در خارج از کشور تفاوت فاحشی داشته است به طوریکه در مطالعه هاید و همکاران در استرالیا این میزان ۶۱٪ گزارش شده است [۱۷]. نتایج این مطالعه مبین این موضوع است که اکثریت شرکت کنندگان ۵۰/۲ درصد از تلویزیون به عنوان رسانه ملی اطلاعات خود را کسب کرده‌اند که این نتیجه همسو با مطالعه امدادی و همکاران می‌باشد [۴] لذا می‌توان از تلویزیون به عنوان یکی از کانال‌های مهم آموزشی در راستای غنی سازی فرهنگ اهدا عضو استفاده کرد. همچنین در این پژوهش آگاهی و نگرش نسبت به اهدا عضو در دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر بالاتر بود که از دلایل آن می‌توان به استفاده بیشتر پسران از وسایل نقلیه موتوری و در معرض خطر بودن آنان برای مرگ مغزی نسبت به دختران اشاره کرد که مطالعه امدادی و همکاران نیز مؤید این نتایج می‌باشد [۴]. این مطالعه رابطه‌ای بین سطح درآمد و میزان آگاهی و نگرش نسبت به اهدای عضو نشان نداد که این نتایج همسو با مطالعه ظهور و همکاران [۵] و عابدی و همکاران [۱] می‌باشد که می‌توان این عدم رابطه را به دلیل داوطلبانه بودن اهدا عضو و عدم تأثیر بر مسائل مالی بازماندگان دانست.

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که هر چند که میزان آگاهی بین دو گروه دانشجویان علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی تفاوت معنادار آماری ندارد

نگرش لازم است به طرح درس دانشجویان دانشگاه‌های غیر علوم پزشکی نیز واحدهایی در این زمینه اضافه شود تا این دانشجویان نیز بتوانند سهم فرهنگی خود را در این زمینه انجام دهند.

تشکر و قدردانی

این پژوهش پس از کسب تأییدیه از کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با کد ۱۰۴۵ انجام شد.

با این وجود میزان آگاهی در دانشجویان علوم پزشکی نسبت به دانشجویان غیر علوم پزشکی بیشتر بوده است، این در حالی است که میانگین متغیر نگرش بین این دو گروه تفاوت معنی دار آماری را نشان داد، و این مسأله لزوم افزایش آموزش در این زمینه را در تمام گروه‌های دانشگاهی به ما گوشزد می‌کند؛ تا بعد از اتمام دوره تحصیل بتوانند گامی مؤثر در جهت ارتقا فرهنگ سازی زمینه اهدا عضو بردارند. در عین حال با توجه به تأثیر مثبت دروس در مورد افزایش آگاهی و

References

1. Abdi H, Mohamady M, Abd Yazdan G. Family experiences of patients with brain death and family relationship and familiarity with the receiver member. *J Knowledge Res Appl Psychol*. 2012;1(1):90-8.
2. Khodami H, Ghorbani A, Shafaghi S. As a result of brain death and organ donation monitoring in hospitals affiliated to Shahid Beheshti University of Medical Sciences. *Shahid Beheshti Univ Med Sci*. 2011;15(6):171-8.
3. Ghadipasha M, Nikan Y, Salehi M, Tagodin Z. Doctors attitude toward organ donation and awareness of the rules and procedure in brain death. *J Forensic Med*. 2000;14(2):112-6.
4. Emdadi S, Ghalylain F, Shiri M, Mirzaee M, Morshedi M. The relationship between the abstract behaviors and organ donation card at the University of Medical Sciences. *J Forensic Med*. 2011;17(4):217-23.
5. Zohur A, Piri Z. Doctors and nurses special attitude toward organ donation Iran University of Medical Sciences in 2004. *Iran Univ Med Sci*. 2004;11(39):93-116.
6. Purhagi S, Kheyry M, Purhagi F, Akaberi A. Investigate the causes of motorcycle accidents Rakbyn admitted to the emergency hospital in Sabzevar. *Sabzevar Univ Med Sci J*. 2008;5(1):17-22.
7. Argamand B, Aghayan H, Gudarzi P, Gafarian A, Shabanzadeh A, Galaly F, et al. Special knowledge and attitude of nurses and emergency concerning organ donation. *J Forensic Med*. 2008;26(3):348-59.
8. Dulatabadi Z, Farahani B, Fesharaki M, Naghafizadeh K. Effect of education about brain death and organ donation on attitude and knowledge of nursing students. *J Crit Care Nurs*. 2009;3(3):109-12.
9. Hagihosainlo H, Ekhtekari A, Ghorbani S. Brain death and organ donation and the procedure during a cross-sectional study in West Azerbaijan province. *J Forensic Med*. 2011;17(3):149-55.
10. Akrami SM, Osati Z, Zahedi F, Raza M. Brain death: recent ethical and religious considerations in Iran. *Transplant Proc*. 2004;36(10):2883-7. DOI: 10.1016/j.transproceed.2004.10.046 PMID: 15686651
11. Hosain Rezaee H, Rangbar H, Arab M. Experience on the causes of brain dead patients on organ donation. *J Res Health Sci*. 2012;1(1):34-40.
12. Sque M, Long T, Payne S. Organ donation: key factors influencing families' decision-making. *Transplant Proc*. 2005;37(2):543-6. DOI: 10.1016/j.transproceed.2004.11.038 PMID: 15848450
13. Jacoby LH, Breitkopf CR, Pease EA. A qualitative examination of the needs of families faced with the option of organ donation. *Dimens Crit Care Nurs*. 2005;24(4):183-9. PMID: 16043982
14. Rezaee V, Shakur S. Knowledge and attitudes of people over 15 years in Tehran about brain death and organ donation. *Transplant after brain death affiliates*. *J Forensic Med*. 2008;6(21):82-90.
15. Buroman M, Asghary F. Are people in Tehran with organ donation after brain death relatives agree? . *J Forensic Med*. 2012;5(1):51-8.
16. Zohoor A, Bozorgmagham M. The attitude of citizens to organ transplantation and organ donation in brain death. *Horiz Knowledge*. 2008;4(1):52-8.
17. Hyde CA, Missailidis S. Inhibition of arachidonic acid metabolism and its implication on cell proliferation and tumour-angiogenesis. *Int Immunopharmacol*. 2009;9(6):701-15. DOI: 10.1016/j.intimp.2009.02.003 PMID: 19239926



Research Article

Comparison of Knowledge and Attitude of Medical and Non-Medical Students Regarding Organ Donation

Hamid Tavakoli Ghuchani¹, Yahya Mohammadi², Monireh Tabei^{3,*}

¹ PhD, Department of Health Education, School of Public Health, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnord, Iran

² PhD Student, Department of Curriculum Development, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

³ MSc, Department of Nursing, Ferdows School of Paramedics, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

* **Corresponding author:** MonirehTabei, MSc, Department of Nursing, Ferdows School of Paramedics, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran. Email: tabei.m2000@yahoo.com

DOI: [10.29252/nkjmd-09032](https://doi.org/10.29252/nkjmd-09032)

How to Cite this Article:

Hamid TavakoliGhuchani H H T, Mohammadi Y, Tabei M. Comparison of Knowledge and Attitude of Medical and Non-Medical Students Regarding Organ Donation in Ferdows City during 2015-2016.

JNKUMS. 2018; 9 (3) :305-310

URL: <http://journal.nkums.ac.ir/article-1-1278-fa.html>

Received: 03 Jan 2017

Accepted: 19 Jul 2017

Keywords:

Organ Donation

Knowledge

Attitude

Students

Abstract

Introduction: The most important source of organ donation for patients in need is the brain dead patients. Regarding the high accident rate in Iran and the low donation rate in the country, the present study was conducted to compare the knowledge and attitude of the students of medical sciences and non-medical sciences in Ferdows city regarding organ donation.

Methods: In this cross-sectional study, 480 students of medical and non-medical sciences were selected from Islamic Azad University, Universities of Paramedical Sciences and Payame Noor in Ferdows City using the non-random sampling method during 2015-2016. The data were collected using a valid and reliable questionnaire. Then, the data were analyzed using independent t-test and ANOVA by the SPSS 22 software.

Results: The results of this study showed that there was a significant difference in the variable of attitude between medical and non-medical students ($P = 0.041$). Also, there was no significant difference in the variable of knowledge between medical and non-medical students ($P = 0.094$). However, the mean of the knowledge variable in medical students (19.08 ± 2.93) was higher than non-medical students (18.48 ± 4.74).

Conclusions: According to the results of this study, the knowledge about organ donation is low; so, public education at the community level should be increased to improve the positive attitude towards the organ donation and, consequently, to increase the rate of transplantation.